

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

مرحوم دولابی و بیانی پیامبرانه

مرحوم دولابی رضوان الله تعالی علیه حق بزرگی به گردن همه‌ی ما دارند. ما سر سفره‌ای نشستیم که ایشان واسطه بود تا ما را با این معارف آشنا بکند؛ لذا حق بسیار عظیمی به گردن ما دارند. ان شاء الله هم به این حق توجه کنیم و هم سعی کنیم بهره ببریم. انسانی به این بزرگی و به این وسعت در بیان معارف، کم داشتیم؛ یعنی شما در عرفای اخیر شیعی، کسی را نمی‌بینید که این همه با عموم خلق صحبت کرده باشد و معارف فوق‌العاده عظیمی را که عرفای بزرگ، بعضاً به آن نرسیدند، به این سادگی و به زبان بسیار راحت‌فهم، برای عموم بیان کرده باشد. حالا اگر بخواهیم بگوییم حاج آقا دولابی که بود، باید بگوییم همین چیزی که در مصباح‌الهدی هست؛ انسانی با این خصوصیات و با همین ویژگی‌ها بود؛ کتاب نفس خودش را باز کرده بود و داشت می‌خواند. فی‌الواقع، خصوصیات را که خدا به او عطا کرده بود توضیح می‌داد و دیگران هم بهره می‌بردند. البته به یک تعبیر هم می‌فرمودند: من یک عمر با خدا صحبت می‌کردم؛ خلق فکر می‌کردند من برای آنها حرف می‌زنم! خیر! من داشتم با خدا صحبت می‌کردم؛ برای خدا صحبت می‌کردم. مردمی هم که در جلسات می‌آمدند و می‌نشستند، این حرف‌های مرا می‌شنیدند و هر یک بهره‌ای از رهگذر این حرف‌ها نصیبشان می‌شد.

به‌هرحال، به این وسعت، به این صراحت و به این سهولت شاید کس دیگری را نداشته باشیم. البته در حوزه‌ی عرفانی انسانهای بسیار بزرگی از متأخرین داریم؛ انسان‌های بسیار والامقام و بزرگ، اما اینکه موفق شده باشند این‌گونه این معارف را به زبان بیاورند و این‌طور صحبت کنند، کمتر بین آنها پیدا

می‌کنیم. خدای متعال عطای ویژه‌ای به ایشان کرد؛ توفیق فوق‌العاده‌ای به ایشان عنایت کرد که بتواند این حقایق را به زبان آورد. این معارف توحیدی که ما آشنا شدیم، فرض کنید همین مطالبی که در طبیب عشق آمده، [همان حرف‌های ایشان است؛] البته ایشان به این شکل منظم کلاسیک صحبت نمی‌کرد؛ ولی روح و جوهره‌ی نگاه توحیدی که در طبیب عشق هست همان حرف‌های ایشان است؛ و ایشان هم حرف‌های پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام و قرآن کریم را بیان می‌کرد. این را هم به‌عنوان یک خاطره بگویم، خاطرم هست وقتی کار کتاب مصباح‌الهدی را تمام کرده بودم و آماده‌ی انتشار شده بود، همراه با تعدادی از رفقای قدیمی جلسات حاج‌آقا، منزل ایشان رفتیم. یک روز صبح خدمتشان بودیم و این کتاب را عرضه کردیم؛ ایشان فرمودند: چند قسمتش را بخوان؛ من از روی کتاب خواندم. هنوز چاپ نشده بود؛ نسخه‌ی حروف‌چین شده بود و پرینت گرفته بودیم. بعد ایشان فرمودند: اگر کلّ یک کتاب عرفانی، در حدّ دو سه بند یا دو سه صفحه از این مصباح‌الهدی مطلب داشته باشد، آن کتاب خیلی کتاب عمیق و بلندی است! حالا فکر کنید خود مصباح‌الهدی چیست! این تعبیر فوق‌العاده‌ای بود که ایشان راجع به مصباح‌الهدی بیان کردند.

خدا سیداحمد آقاجفی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه را حفظ کند؛ خاطرم هست که ایشان بعد از رحلت حاج‌آقا به من می‌گفتند: هیچ‌کس نفهمید تو چه کار کردی و الآن هم نخواهند فهمید! دو‌یست سال دیگر معلوم می‌شود، کاری که تو کردی و این مصباح‌الهدی یعنی چه و چه عظمتی دارد!

علی‌ای‌حال، [دیگران] کمتر موفق بودند این معارف بلند را با زبان عموم خلق بیان کنند و این نکته بسیار ظریف است. کراراً عرض کرده‌ام، انبیاء زبانشان زبان تخصصی نبوده، زبان علمی نبوده، نیامدند با اصطلاحات فلسفی و عرفان نظری و امثال اینها صحبت کنند. **ما أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ: اهیچ پیغمبری را نفرستادیم مگر اینکه به زبان قوم خودش صحبت می‌کرد تا حقایق را برای آنها**

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۴.

تبیین کند. بنابراین شیوهی حاج آقا دولابی شیوهی پیامبرانه بود. بزرگانی وجود داشتند و اکنون هم برخی وجود دارند که خیلی عظیم‌القدر بودند، مورد احترام ما هم هستند و خود من دعاگوی آنها هستم؛ اما اینکه زبان عموم خلق را داشته باشند و بتوانند به زبان عموم مردم حرف بزنند، این ویژگی خاصی است که ویژگی پیامبرانه است و خدای متعال [فقط] به ایشان عنایت کرد. دیگران بعضاً دیده‌اید که به زبان‌های خیلی تخصصی علمی صحبت می‌کنند و عمدتاً اهل آن علم و اهل آن تخصص ممکن است آن صحبت‌ها را متوجه شوند؛ اما صحبت‌های مرحوم دولابی نه! صحبت‌های خیلی ساده‌ای بود و به زبان ساده؛ ولی با معارف بسیار عمیق! و کسانی که در جلسات ایشان حضور پیدا می‌کردند، در سطوح مختلف بودند. از یک انسان بسیار کم‌اطلاع وجود داشت تا افرادی که درس خوانده‌های بسیار قوی علوم دینی بودند و هرکس مرتبه‌ای از معارف را از این فرمایش‌ها دریافت می‌کرد. نوآوری‌هایی هم که خدا به زبان ایشان جاری می‌کرد، فوق‌العاده عظیم بود. دوباره به خاطر آمد که ایشان یک‌وقت نقل می‌کردند، فرد عالمی که عالم حوزوی بود در جلسات ایشان حضور پیدا کرده و از صحبت‌های ایشان در جلسه‌ای استفاده کرده بود، حاج آقا می‌گفتند: نزد من آمد، شروع کرد به گریه کردن و گفت: حاج اسماعیل، من سال‌ها درس تفسیر قرآن داده‌ام و خودم مثلاً دارم تفسیر قرآن می‌نویسم! ولی این نکته‌ای که شما راجع به این آیه‌ی قرآن گفتید، گویا این آیه برای اولین بار نازل شده و من آن را می‌بینم! هم می‌بینم نکته اصلاً پیچیدگی ندارد و قرآن به‌راستی و به این وضوح این نکته را گفته و من علیرغم همه‌ی معلوماتم و همه‌ی مورهای که در تفسیر قرآن داشتم، تا به حال متوجه نکته‌ی به این روشنی نشده بودم. این آن فطرت پاک است که در واقع قرآن را می‌خواند؛ نه تنها کلمات نوشته‌شده را می‌خواند، بلکه به تعبیر خود حاج آقا دولابی، آن سفیدی‌های بین کلمات را هم می‌خواند. چون اهل عشق و اهل محبت این‌گونه‌اند دیگر؛ در واقع به یک اشاره هزاران نکته درمی‌یابند که غریبه‌هایی که اهل محبت و عشق نیستند در نمی‌یابند. گفت:

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند!

و خدای متعال این عنایت را در حق ایشان کرده بود.

به هر حال، وجود بسیار نازنین و گرانقدری بود که یک دوره خدا عنایت کرد و در دسترس ما قرار داد و بعد هم از بین ما پرواز کرد. صورت ظاهر رفت ولی آن حقیقت معنوی ایشان حضور دارد؛ همین معارفی است که دوستان در جلسات اهل ولاء روی آن معارف تأمل می‌کنند و ان شاء الله خدای متعال ما را شاکر و قدردان این معارف قرار دهد. این سهولت مطالب، ما را از عمق آنها غافل نکند؛ چون گاهی اوقات حرف بسیار ساده‌ای که گفته می‌شود، شخص فکر می‌کند خوب چیز معمولی و پیش پا افتاده‌ای بود؛ چیز مهمی نبود؛ در حالی که خدا می‌داند، آن مطلب چه عمقی داشت! این سادگی بیان، فرد را از ورود به محتوا غافل کرد. ان شاء الله این‌گونه نباشیم و تأمل کنیم! آن قدر تأمل کنیم و مرور کنیم، تا راه پیدا کنیم؛ چون به تعبیر ایشان: صاحب کلام در کلامش حضور دارد. یاد ما است ایشان راجع به کتاب کاشف‌الاسرار، این تعبیر را به کار بردند؛ فرمودند: مولی نظر علی طالقانی در همین کاشف‌الاسرارش حضور دارد؛ اگر مکرر، مرور کنید و تأمل کنید، کم‌کم به خود صاحب کلام راه پیدا می‌کنید. بعد این مطلب را بالا می‌برند و می‌فرمودند: اگر شما حق قرآن را درست ادا کنید به خود خدا راه پیدا می‌کنید؛ اینجا دیگر خود خدا هست! هر جا را نفهمیدید، می‌توانید به خدا بگویید، خدایا این کلماتی که مال شماست، خود شما گفتید، من این قسمت را نفهمیدم، خود شما به من حالی کنید؛ آن وقت ببینید که چه باب‌هایی از معارف به روی قلب شما باز می‌شود! حالا حاج آقا دولابی رضوان الله تعالی علیه هم در کلامش حضور دارد و اگر کسی به شایستگی این ارتباط را برقرار کند، با خود ایشان مرتبط می‌شود و بهره‌هایی بیش از آن چیزی که ظاهر عبارات دارد، خدای متعال نصیبش می‌کند. خدا ایشان را رحمت کند، به درجات بلند معنوی ایشان بیفزاید و توفیق بهره بردن از این معارف بلند را نصیب همه‌ی ما بفرماید، ان شاء الله. صلواتی هم به روح مرحوم حاج محمد اسماعیل دولابی هدیه بفرمایید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ